

گفت‌وگو با دکتر شهلا کاظمی پور، عضو هیئت علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

۱۵ سال طلایی پنجره جمعیتی را از دست دادیم

سیاست‌های جمعیتی باید به صورت بسته‌های چندجانبه و واقع‌بینانه دیده شود / پیش‌بینی جمعیت تخصصی است، مسئولان مداخله نکنند!

حسن فرامرزی
تصوریهایی که درباره آینده جمعیتی ایران به ویژه در روند روبه شتاب سالمندی ارائه می‌شود، چقدر دقیق و واقع‌بینانه است؟
پیش‌بینی‌هایی که در این باره صورت می‌گیرد تا چه اندازه مبتنی بر الگوهای علمی است و در نهایت اگر می‌خواهیم ترمیم و اصلاحی در باره رشد نرخ باروری در ایران انجام دهیم، تدوین سیاست‌ها و قوانین در این باره چگونه باید صورت گیرد؟ گفت‌وگوی ما با دکتر شهلا کاظمی پور، جمعیت‌شناس و عضو هیئت علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران در این باره است.

تصور عموم و رسانه‌ها از جمعیت‌شناسی و جمعیت‌شناس‌ها با واقعیت علمی این رشته چقدر انطباق دارد؟

خیلی کم.
چرا این طور است؟
رشته ما جمعیت‌شناسی یکی از زیرشاخه‌های علوم اجتماعی است و می‌توان گفت یک مقدار به جامعه‌شناسی نزدیک است. از طرفی حتی گاهی در محافل علمی هم شناخت درستی در این باره وجود ندارد، چون جمعیت‌شناسی بسیار تخصصی است، بنابراین وقتی گاهی دست جامعه علمی هم در این باره خالی است، شما چه توقعی از مردم یا رسانه‌ها دارید. وقتی می‌گویید یک مقدار به جامعه‌شناسی نزدیک است یعنی چه؟
جمعیت‌شناسی رشته ناشناخته‌ای است، از یک زاویه شبیه جامعه‌شناسی است اما چون متکی به محاسبات است و به علوم ریاضی و آمار نزدیک‌تر است، از اینجا به نوعی راه خود را از جامعه‌شناسی جدا می‌کند، حتی در حوزه بین‌المللی هم که نگاه می‌کنید، می‌بینید عده کمی تصویر درستی در این باره دارند. جمعیت‌شناسی حتی در بین متقاضیان رشته‌های دانشگاهی هم به نوعی دچار بدفهمی شده است.

مقاصد از رشته‌های علوم انسانی وارد علوم اجتماعی است و جمعیت‌شناسی می‌شوند، در حالی که جمعیت‌شناسی پایه ریاضی می‌خواهد، بنابراین در اینجا شکافی وجود دارد. عده‌ای هم که از علوم انسانی وارد جمعیت‌شناسی می‌شوند، عملاً غیرآماری می‌شوند و فقط حرف می‌زنند، در حالی که جمعیت‌شناس باید بر اساس آمار و ارقام دقیق صحبت کند. این طور بگویم که مردم یا جامعه‌شناسی هم که نسبتاً آشنا هستند، به نوعی آن را جزو رشته‌های لوکس می‌دانند، در حالی که جامعه‌شناسی بسیار کاربردی است.

مسئولان؟
به نظر من مسئولان در این باره زیاد مداخله می‌کنند و گاه موضع‌گیری‌های عجیب جمعیتی را از زبان آنها می‌شنویم، در حالی که جمعیت‌شناسی کلاً تخصصی است.

به عنوان یک جمعیت‌شناس تعریف دقیق و عامه‌فهم این رشته چیست؟
جمعیت‌شناسی علمی است که به مطالعه ساختمان، تحول و حرکات جمعیت‌ها در زمان و مکان می‌پردازد.
منظورتان از ساختمان جمعیتی چیست؟
جنس، سن، سواد، تأهل، وضع فعالیت، وضع اشتغال، وضع خاوار، و تحول جمعیت؟
شاخص‌های تحول جمعیت، مولد، باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت هستند.

منظور از مکان و زمان چیست؟
منظور این است که این ارزیابی‌ها و سنجش‌ها در چه مکانی (شهر یا استان یا کشور) و در چه بازه زمانی (دو ساله یا پنج‌ساله یا ۲۰ ساله) صورت می‌گیرد.
نسبت جمعیت‌شناسی با گذشته و آینده به چه شکلی است؟
مادامه‌ها از گذشته می‌گیریم، تحلیل می‌کنیم و برای آینده هم دست به پیش‌بینی می‌زنیم.

مثل هواشناسی‌ها.
بله، هواشناس‌ها هم درباره آینده دست به پیش‌بینی می‌زنند، البته این پیش‌بینی مستلزم دانش از گذشته است، یعنی شما به عنوان یک هواشناس باید اشرافی بر تغییرات جوی و الگوهای تغییرات آب و هوایی داشته باشید. ما هم دقیقاً با چنین رویکردی جلو می‌رویم، به عنوان یک جمعیت‌شناس ما هم باید آگاهی‌ای از تحولات جمعیتی در گذشته داشته باشیم تا بتوانیم درباره آینده دست به پیش‌بینی بزنیم.

تصویری که ما در رسانه‌ها از جمعیت‌شناس‌ها داریم جاهایی گاهی به پیشگواهای پهلوی می‌زند. شاید جمعیت‌شناس‌ها هم بدشان نمی‌آید یا همین تصویر شناخته‌شده شوند. گاهی حتی ما درباره آینده جمعیتی ایران تصویرهای آخرالزمانی از زبان جمعیت‌شناس‌ها می‌شنویم. آیا جمعیت‌شناس یک پیشگوست؟

پیش‌بینی ترجمه کلمه forecast است، اما توجه کنید که جمعیت‌شناس‌ها پیشگو و مال نیستند، ما بر اساس داده‌ها دست به پیش‌بینی می‌زنیم. همچنان که از هواشناسی مثال زدم. وقتی یک هواشناس مثلاً می‌گوید فردا هوای ابری است، اولاً این گفته خود را با احتمال بیان می‌کند به با قطعیت.
بخلاف رمال‌ها و پیشگواها.
بله در نانی همین احتمال هم متکی به دانش و دیتاست، مثلاً تصاویر ماهواره‌ای و الگوهای حرکت ابرها و سرعت وزش باد و داده‌های دیگر کنار هم جمع می‌شود تا هواشناس را به آن پیش‌بینی سوق دهد. ما هم بر اساس وضعیت موجود جمعیت و ترندها یا روندهای گذشته دست به پیش‌بینی می‌زنیم، یعنی شما اگر بهترین جمعیت‌شناس هم باشید بدون داده‌های دقیق درباره نرخ مولد و مرگ‌ومیر و مهاجرت یک کشور نمی‌توانید درباره تحولات جمعیتی آن دست به تحلیل و پیش‌بینی بزنید.

کار شما دقیق‌تر است یا سیاست‌های جمعیتی یک کشور؟
کار ما دقیق‌تر است، چون رفتارهای جمعیتی یک روزه و یک شبه عوض نمی‌شود.

منظور از نهادها و مرگ‌ومیر چیست؟
بله، آهنگ تغییرات در نرخ مولد و مرگ‌ومیر.

آیا واقعاً می‌توان درباره آینده جمعیتی یک کشور در ۵۰ یا ۱۰۰ سال آینده اظهار نظری کرد؟

کسانی که درباره این بازه‌های زمانی اظهار نظر می‌کنند به نظر من خیلی متکی به کار علمی نیستند، چون احتمال خطا درباره پیش‌بینی ۵۰ یا ۱۰۰ ساله بسیار بالاست.

بازه زمانی استانداردی برای پیش‌بینی چقدر است؟
نهایتاً ۲۰ سال.

چرا؟
به خاطر اینکه ما به بسیاری از احتمالات در آینده اشراف لازم را نداریم. مثلاً ممکن است جنگی روی دهد و همین جنگ، نرخ باروری را کم کند یا سیاست‌هایی باعث افزایش مهاجرت‌ها شود یا اعمال سیاست‌هایی در



در ایران هم چنین الگویی حاکم بوده است؟
بله، در بازه زمانی ۱۳۱۰ تا ۱۳۶۰ یعنی در فاصله ۵۰ سال، بیشترین رشد جمعیت ما ناشی از کاهش نرخ مرگ‌ومیر بوده است. ما تقریباً از سال ۱۳۰۰ شاهد ورود دانش پزشکی و امکانات بهداشتی به کشور هستیم، ضمن اینکه به هر حال ثبات سیاسی و وجود امنیت در راه‌ها و تغییر سبک زندگی مردم باعث می‌شود نرخ مرگ‌ومیر در ایران کاهش پیدا کند.
از آن سو ما به دهه ۶۰ می‌رسیم و سیاست مهار جمعیت اجرا می‌شود.
اگر به این تحولات به صورت مقایسه‌ای نگاه کنیم می‌بینیم همه کشورهای توسعه‌یافته این مسیر را پیموده‌اند، چون با ورود امکانات پزشکی و درمانی و بالا رفتن سن مرگ‌ومیر، کشورهای جهان از جمله در آسیا، اروپا و آمریکا بارشده فرایند جمعیت روبه‌رو شدند که نمونه واضح و مشخص آن در چین اتفاق افتاد و این کشور مجبور به اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه برای مهار میزان مولد در این کشور شد.
آیا این دیدگاه منفی نسبت به رشد جمعیت مشخصاً از قرن بیستم آغاز می‌شود؟
شاید در این قرن برجستگی خاصی پیدا می‌کند اما وقتی دقیق نگاه کنیم، ردهای این تفکر را در قرن هجدهم میلادی هم می‌بینیم. وقتی مالتوس، اقتصاددان معروف می‌گفت مواد غذایی کفاف این جمعیت را نمی‌دهد و در نهایت به بروز جنگ و بیماری منجر می‌شود، پس باید جلوی رشد جمعیت را بگیریم و از میزان باروری کم کنیم، البته این نگرش بعدها از سوی اقتصاددان‌های معروف بعدی هم دنبال می‌شود که باروری را کم کنند.
این هواداری به کاهش نرخ جمعیت در غرب تا چه اندازه معلول شکل‌گیری سبک جدید زندگی است که به ویژه در ۲۰۰ سال گذشته و در جریان انقلاب صنعتی اتفاق می‌افتد؟
با ظهور تحولات صنعتی بسیاری از شهرنشینان در اروپا و آمریکا به شهرها سرازیر شدند و رشد و شکوفایی اقتصادی آن جوامع را رقم زدند، اما این پدیده از سویی باعث شکل‌گیری این تفکر هم شد که اگر می‌خواهیم این جمعیت را به رفاه برسانیم، باید هم‌زمان بارشده اقتصادی نرخ باروری را کم کنیم.
آنها رشد جمعیت را تهدیدی علیه ارائه خدمات بهتر می‌دانستند؟
دقیقاً و بسیار هم خوشحال بودند که توانست‌اند با اتخاذ سیاست‌هایی، رشد

جمعیت را کم کنند اما نتوانستند جمعیت‌شناسی را به عنوان یک رشته تخصصی در نظر بگیرند. ما در ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته کشورها را با افزایش جمعیت مواجه کردیم، اما در ۲۰ سال آینده جمعیت ما سالمند خواهد شد. ما در ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته جمعیت ما سالمند خواهد شد، اما در ۲۰ سال آینده جمعیت ما سالمند خواهد شد. ما در ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته جمعیت ما سالمند خواهد شد، اما در ۲۰ سال آینده جمعیت ما سالمند خواهد شد.

انگاز که حسی می‌کردند دیگر تعداد فرزندان، تقدیری نیست.
بله، خانواده‌های که مثلاً چهار بچه می‌خواست برای همان چهار بچه برنامه‌ریزی می‌کرد، چون همان چهار بچه زنده می‌ماند. در واقع کاهش نرخ باروری در ایران به دلیل کاهش میزان مرگ‌ومیر بود. بعد وقتی جامعه رشد کرد و افراد باسواد شدند و امکانات پیشرفته‌تر شد، خانواده محاسبه تعداد فرزندان خود را به دست گرفت و برای آن برنامه‌ریزی کرد.
چرا افزایش باروری در ایران جواب ندهاده است؟
چون تفکر آدم‌ها تغییر یافته و از کمیت به کیفیت سوق پیدا کرده است. شما امروز نمی‌توانید والدین این نسل را با دو سه نسل پیش مقایسه کنید. این والدین به دنبال کیفیت فرزندآوری هستند، رویاهای زیادی برای فرزندان خود در سر دارند و می‌خواهند بهترین امکانات را برای فرزند خود فراهم کنند. در واقع نمی‌خواهند آن محرومیتی که خود چشیده‌اند، فرزندشان نیز تحمل کند، بنابراین به این فکر می‌کنند که با چه تعداد فرزند می‌توانند فضای تحصیلی، آموزشی، تفریحی، تغذیه و موسیقی او را فراهم کنند و چون فراهم آوردن این امکانات هزینه‌بردار است، بنابراین زیر بار فرزند بیشتر نمی‌روند.

من پدرم در تعریف می‌کند بسیاری از کودکان هم‌نسل او در روستا پنج‌شش‌سالگی پشت دار قالی می‌نشستند، یعنی فرزند آن زمان در آمد بود اما حالا فرزندان هز بنه‌اند.

یک جمعیت‌شناس استرالیایی می‌گوید جریان ثروت در گذشته از سمت فرزندان به والدین بود اما در حال حاضر جریان ثروت از والدین به فرزندان است، بنابراین بسیاری از افرادی که ازدواج می‌کنند، ترجیح می‌دهند بچه‌دار نشوند.

من حدود ۱۰ سال پیش برای کوهنوردی رفته بودم در که آنجا دوزن باهم سخن می‌گفتند، یکی شان برگشت به آن دیگری گفت، وقتی فکر می‌کنم که اگر یادار شوم دست کم دو سال از کوهنوردی جدا خواهم شد و نمی‌توانم به باشگاه هم بروم، ترجیح می‌دهم این کار را نکنم. انگار ما آدم‌ها در این عصر به عادت‌هایی رسیده‌ایم که سخت به آنها وابسته‌ایم. آن کوه رفتن‌ها برای آن زن وسیله‌ای برای تخلیه روانی و ذهنی در این شهر شلوغ و آشفته است، بنابراین تصور از دست دادن این نگاه‌ها برای او دردناک به نظر می‌رسد.

من اسم این رویداد را گذاشتم هم هزینه فرصت زن‌ها مقایسه می‌کنند که اگر بچه‌دار شدند برای نگهداری بچه‌ها چقدر قرار است هزینه کنند، یعنی سر کاری که منبع درآمد و حاصل تخصص آنهاست نروند، پاره‌ای وقت‌ها فراغتشان بگذارد، فاه و خوت خود را از دست بدهند، حتی تقدیری که در بدنشان روی می‌دهد، بپذیرند.

بعضا در رسانه‌ها تصویرهایی که از آینده جمعیتی ایران به ویژه رشد جمعیت سالمندی ارائه می‌شود، بسیار هولناک است و به قول معروف هیچ روزنه امید برای نفس کشیدن باقی نمی‌گذارد. من البته درک می‌کنم برخی از مدیران و حتی کارشناسان دوست دارند با ارائه تصویرهای ترسناک به نوعی خودشان را در رسانه‌ها مطرح کنند، گرچه از آن طرف هر کسی که تصویر هولناک ارائه می‌دهد، لزوماً تشنه توجه نیست.

همان طور که اشاره کردید بسیاری از این موضع‌گیری‌ها غیر کارشناسی است. چندی پیش در جلسه‌ای بودم و آنجا یک نماینده مجلس می‌گفت در آینده ۶۰ درصد جمعیت ما سالخورده خواهد بود. من آنجا به آن نماینده گفتم چنین چیزی امکان ندارد. ما بعد از ۵۰ یا ۶۰ سال دیگر در بدبینانه‌ترین شرایط چیزی شبیه ژاین می‌شویم که هم اکنون سالخورده‌ترین جمعیت جهان را دارد.

چند درصد از جمعیت ژاین سالخورده‌اند؟
۲۴ درصد. ما در افق آینده در بدبینانه‌ترین حالت ژاین می‌شویم که نیروی جوان کمتری دارد اما آن‌ها اینکه به ۶۰ درصد جمعیت سالمندی برسیم، من همه اینها را محاسبه کرده‌ام، اگر ۲۰ تا ۳۰ سال آینده جمعیت ما سالخورده شوند، باز ۵۰ درصد جامعه ما فعال خواهند بود و در نهایت به ۲۵ درصد جمعیت سالمندی می‌رسیم.

الان نرخ رشد جمعیت ما چقدر است؟
۰/۸ درصد. سازمان ثبت احوال متأسفانه به شکل رسمی آمار ولادت و فوت را اعلام نمی‌کند اما برآورد ما روی همان عدد ۰/۸ درصد است، البته اگر مهاجرت فرستی را که حدوداً به ۲۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر در سال رسیده است، در نظر بگیریم رشد جمعیت ما از ۰/۸ درصد هم پایین‌تر خواهد بود. این نکته را هم بگویم، پیش‌بینی جمعیت به خاطر این است که در برنامه‌ریزی‌ها دلتان داده شود. من سال ۸۶ گفتم سال ۸۹ تعداد داوطلبان با ظرفیت دانشگاه‌ها برابر می‌شود و این اتفاق افتاد و سال‌های بعد هم دیدیم که تعداد داوطلبان کمتر از کرسی‌های دانشگاه‌هاست و امروز هم می‌بینید که دانشگاه‌ها از به‌خاطر استقبال نشدن کلی از واحدهای خود را جمع‌آوری کرده است. مسئله این است وقتی می‌توان پیش‌بینی کرد چرا ما موقع از این پیش‌بینی‌ها استقبال نمی‌کنیم.

مثال می‌زنید؟
ما می‌دانیم جمعیت ما سالخورده خواهد شد، خوب این نیازهای این جوان‌ها و میانسالی‌ها ۳۰ تا ۴۰ ساله برای دوره سالمندی دیده شده است؟ ما تا سال ۱۴۲۵ حتماً ۲۰ میلیون نفر سالمند خواهیم داشت. این ۲۰ میلیون که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به دنیا آمده‌اند، نیاز به مراقبت‌های درمانی، بهداشتی و تأمین اجتماعی دارند. همین الان بیمارستان‌های ما جوجاگویی ۵ میلیون سالمند نیست. خوب اگر مراکز بهداشتی و درمانی ما در این دو دهه نتوانند متناسب با جمعیت سالمندی رشد کنند فاجعه‌ها خواهد بود، البته سالمندی وقتی فاجعه‌بارتر می‌شود که ما پیش‌بینی‌های لازم را در این باره نکرده باشیم. از آن سو ما هم اکنون در پنجره جمعیتی قرار داریم و بالاترین جمعیت فعال دنیا در ایران زندگی می‌کند، یعنی ۷۰ درصد جمعیت، آیا ما این از پنجره جمعیتی استفاده می‌کنیم؟ پاسخ منفی است. ۱۵ سال از این پنجره را از دست داده‌ایم.

آثار هواشناسی معمولاً هشدارهایی می‌دهد که مختص اقلشار مختلف جامعه است، از شهرنشینان معمولی تا تخصصی‌تر مثلاً برای کشاورزان، آیا جمعیت‌شناس‌ها چنین هشدارهایی را به ارگان‌های می‌دهند؟

صدرده سال‌ها پیش پدیده مضیق‌ه‌ا دواج را مطرح کردم، چون می‌دیدم عده‌ای از دختران ۴۰ ساله به بالا دیگر فرصت ازدواج ندارند، چون هم کفو مرد مجردی که با این دختران ازدواج کند، وجود ندارد. این پدیده در واقع خسارت باروری است یا مثلاً در دهه ۶۰ ساله ۲ میلیون تولد داشتیم، اینها وقتی مدرسه می‌رفتند در همین تهران بزرگ، کلاس‌های چهارشعبه داشتیم، در صورتی که آموزش و پرورش قبلاً باید پیش‌بینی چنین رویدادی را می‌کرد.

در واقع نهادها و ارگان‌های ما شاخص‌های تیزی برای ارزیابی این تغییرات ندارند.

ممکن است داشته باشند اما در محاسبات به بیراهه می‌روند. اکثر گزارش‌هایی که مدیران این نهادها تهیه می‌کنند ایراد دارد و پیش‌بینی‌های جمعیتی‌شان اشتباه است، چون محاسبات بسیار دقیقی می‌خواهد.

به عنوان یک جمعیت‌شناس چقدر محل مراجعه نهادها و ارگان‌ها هستند؟

خیلی زیاد دعوت می‌کنند، ولی متأسفانه کارهای اجرایی در سازمان‌های ما هیچانی و لطفه‌ای است، ضمن اینکه مدیران ما عادت دارند تا جایی به سخن کارشناس گوش دهند که خوشایندشان است، همین سالخورده‌گی جمعیت را بر وفق مراد خودشان تعبیر می‌کنند.

سیاست درست جمعیتی بدون گرفتار شدن در افراط و تفریط چیست؟

سیاست‌های جمعیتی پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد و اگر تک‌بعدی دیده شود، جواب نمی‌دهد، بنابراین باید به صورت بسته‌های سیاستی همه‌جانبه دیده شود. بارها گفته‌ام قانون «خانواده و جوانی جمعیت» بندهای خوبی دارد اما اگر به فرض کارایی بالا نرخ تخن باروری نتوانیم زیرساخت‌های اقتصادی، تحصیلی و رفاهی متناسب با این افزایش نرخ باروری را فراهم کنیم، در نهایت به آن مقصودی که از این افزایش نرخ باروری می‌خواهیم، نخواهیم رسید. اگر ما نتوانیم مثلاً زیرساخت‌های حمل و نقل خود را درست کنیم، هم‌های ما قربانی وضعیت جاده‌های کشور خواهند شد، بنابراین اگر سیاستی در افزایش جمعیت دیده می‌شود، باید در فضای یک پیش‌بینی وسیع و همه‌جانبه باشد.